

در امتداد تاریکی

سقوط به دره بدبختی

بارها تصمیم گرفتم خودم از این منجلاب بیرون بکشم. اما به خاطر آنکه آدم صبیفی که ششتم، با هم در یک مردودم بودم و زانو زدم و به پاتوق خللاکاران رفتم. ... در آن سال ۵۸ که از شدت خماری نمی توانست از افتادن بلخ هایش جلوگیری کند، در حالی که عنوان می کرد رفاه بیش از حد و تربیت ناسمج را از بلندای قلّه خوشبختی به عمق دره بدبختی سوق داد، به تشریح چراهای تلخ و شیرین زندگی پرداخت و گفت: کرد خاندان معمولی اما رفه به دنیا ایدم. فردم در دو خانواده بودم و تا مقطع قسط دیلمم تحصیل کردم. این در حالی است که دیگر خانواده برادرانم تحصیلات عالی و تکمیلی دارند. مانند هر هفتگی بود و پدرم نمایشگاه خودروهای لوکس داشت. اگر چه هر کدام از اعضای خانواده مادر خود را چند صد میلیون سیواری شدند، اما پدر و مادر من کمتر در خانه می دیدیم و به نوعی در آمد و هواش بین کشمیری هایمان آزاد بودیم. با وجود آن که خواهر و برادرانم در همین شرایط را در دست زندگی را انتخاب کردند، اما من از آن ۱۶ سالگی شرکت در پارتی های شب نشینی های دوستانه را شروع کردم. در پارتی های شب نشینی های بود که برای اولین بار مصرف بنگ و مشروبات الکلی را تجربه کردم. پول زیادی را به خاطر رفیق بازی های همی خرج می کردم، اما هیچ کس از من در باره مسائل مالی نپرسید. اولین بار به جرم نگهداری مواد مخدر روانه زندان شدم، اما مدتی بعد پدرم جریمه ام را به حساب داد گسترسی ریخت و من از آزاد شدم. پدرم قصد داشت خدمت سربازی را به بخرد ولی به او گفته شد پول را به حساب داد گسترسی سربازی بویم. ولی او افتخار خدمت سربازی در حالی که مواد مصرف کرده بودم و با کمبونتواندگی می کردم، دزبانم در روزی با یادگان را زیر گرفته به بعضی عضو اوختر شدم. بعد از پایان خدمت، آن دواج کردم صاحب یک موتر شدم. اما از مصرف مواد دست بر نداشتیم. در حالی بود که پدرم مواد را نیز بر سر تربیت من با یکدیگر مشکل داشتند و به همین بهانه مدام با هم درگیر بودند تا من که ۲ سال قبل از یکدیگر جدا شدم. دختر کم ساله بود که من به نام هم به اتهام حمل مواد به مدت ۱۱ سال زندانی شدم در همین زمان همسرم طلاق گرفت و با دختر به دنبال سرشونت خود شد. این بار وقتی از زندان آزاد شدم، پدرم را به سفر تایلند فرستاد تا همی جدیدی را شروع کنم. ولی من دست از خلافکاری هایم برنداشتم و همواره بین آزادی و زندان سرگردان بودم. دوباره به پاتوق های خللاکاران بازگشتم تا این که سال گذشته در حالی که به شدت خماری بودم، با یک خودرو تصادف کردم و ۱۱ میلیون تومان دیو گرفتم. یک آن که پول دیو را در پاتوق مجری دیوستم خرج کردم، و او را برکنندم را تنک دزد خانهاش بیرون انداخت. از آن روز به بعد دوباره به سرعت از گاو صندوق منزل را شروع کردم که اخیر ...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس آگاهی خراسان رضوی

بازداشتگاه‌ها قرار کرد، زن ترنر شد در مواجهه حضوری با متهمان گفت: «تغیر از این‌ها فراموش از آزاداندولی نفی رسوم همان کسی است که در فرار به هم کمک کرد. متهمین این پرونده در سبب هشتاد و یک نفره با کف‌گیری یا استن اینا که به ریاست قاضی حسین اصغر زاده و با حضور دو قاضی مستشار محاکمه شدند. در پایان جلسه، هیئت قضایی ۲ مرد را به اعدام محکوم کرد. متهم دیگری هم که در فرار کمک کرد به‌دو به جای اعدام محکوم شد، اما پرونده ۴ متهمی فراری محاکمه با ریاست.



رضوی از کار آگاه‌ها خواست تا باز جویبه‌های خود را با انهمای‌های قضایی ادامه دهد. پیران گزارش کرد، حاله که لامپ‌های یک منزل شهربانی از این دیگرو روشنی می‌شد و ساعتی بیشتر شد آن صبح باقی نمانده بود، جوان ۲۲ ساله به اعتراف گمشدو در این جنایت، هولناک‌ر افاش کرد. او حتی در باغ رونق کلاهه که «دزد خیالی» به سر داشت، به تناقض خود پرداخته بود، این بار با بیان این که ما جرای این حمله دزد نقابدار» ساخنگی است، گفت: نقشه قتل پدرم از حدود ۱۸ روز قبل کشیده بودم، البته او همه نت امکانات، قاهی برایم فراهم کرده بود، حتی که واحد آپارتمانی خودوری شاسی بلند برام خرید، اما پدرم تعامی او با یکی از دوستانش انجام داده بود چک ۲۰ (میلیونی دست دوستش بود. من نزد دکتر «دوست مقتول» رفتم و از او خواستم. خودم می‌دهم اما پدرم متوجه نشد که به او اعتماد کم‌ها دیگر این مبلغ را بازمی کرد. اگر چه اگر پدرم متوجه می‌شد شمنک بود مرا دعو کند! وقتی در این منزل کشدم، تصمیم به قتل پدرم گرفتم. شب که از کار معلوم شد، به بهانه پیروزی او را به بولوار امل کشادم و او چو کشت جایگاه سوخت او را با ضربات چاقو به قتل رساندم و سپس دستان خودم را از او زخمی کردم. بعد از آن هم چاقو، تبر و دیگر تائین که در بولوار الهیه خودور را متوقف کردم تا نقشه‌هایم را از هم جدا کنم و گداشتم و بیرون انداختم.

حکم اعدام برای ۲ متجاوز به گردشگر فرانسوی

آگاهی رفت و از ۴ مرد که او را ربوده و در چادری در دره فرحزاد آزار داده بودند، شکایت کرد. زن جوان ۲۳ ساله به پلیس گفت: کوهنورد حرفه‌ای هستم و از طریق اینترنت با کوه‌های ایران آشنا شدم. به‌دره فرحزاد رفته بودم که هوا تاریک و ابری شد. ترسیده بودم. با چند مرد روبه‌رو شدم.

جوان زخمی به قتل پدرش اعتراف کرد

جنایت نیمه شب در شاسی بلند

و نیز به سرقت رفته است. وی در تشریح ماجرا گفت: همواره پدر به بهر خانه هم رفته بود و پدر بخیه های دندان عمو را می کشید. حدود ساعت ۲۲ شب بخیه ها خارج شدیم اما ناگهان دیدم که از قبل وارد خودرو شده بود، بیرون آمد و با چاقو ضرباتی را به پدر زد. من هم که مقاومت کردم زخمی شدم. او سپس کیف دستی را برداشت و فرار کرد. در همین حال مقام قضایی از در تشریح خواست تا رخ های ایجاد شده روی دست این جوان را مورد معاینات پزشکی قرار دهد. لحظاتی بعد وقتی پزشکان قانونی در اطراف نظری کنیی اعلام کردند که جوان روی دست جوان ۲۳ ساله «خودزنی است، این پرنده نارنجی وارد مرحله جدیدی شد. قاضی شیواج حسینی که به پسر مقتول مشکوک بود، دو سولات مهم و تخصصی را آغاز کرد. این ها می گفتند: این جوان حتی در وضعیت به وجود آمده نگران بودند و فرزند مقتول را بی گناه می دانستند. آن ها می گفتند: این جوان حتی جرأت تریق آمپول زدن را ندارد، چگونه ممکن است دست به چنین جنایتی بزند؟! اما شاهد امر حکایت از ماجرای دیگری داشت، آن ها می گفتند: قاضی پرسید: اگر در دربار می خواستی شناسی؟ پسر مقتول پاسخ داد: نه! او چهره اش را کاملاً پوشانده بود! حتی اگر دستگیر هم شود. او را نمی شناسم! این گزارش را قاضی چند دقیقه بعدو در حالی که سولات اخراجی مقام قضایی را کارگاهان می شناسد! این گزارش را قاضی حسینی سوال کرد: «در دیش داشت با ته ریش؟! جوان زخمی که در میان ریشات کنیی افشای دست و پایش را کرده بود، گفت: نه! سولات کنیی داشتم! اما گفتن این جمله، قاضی را به قتل عمد دستور بازداشت وی را صادر کرد و ادامه داد: شما که گفتید هزد دهره را برپا نداشتید؟! سکوت متهم و متقاضی دیگری در دربار دیگر سوال شد. مشخص می کرد که جوان مذکور در ارتکاب قتل نقش داشت. و براین بنی پس از اقدامات اولیه در مانی به اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی هدایت شد و شبانه مورد بازجویی های فنی قرار گرفت. با توجه به اهمیت حساسیت موضوع، سرنگ حمید رضا زرخواه (رئیس پلیس آگاهی خراسان

خط زرد

توصیه های پلیسی درباره قاپ زنی

در تلفن همراه، لپ تاپ، کیف دستی یا درون خودروی خود از نگه‌داری فایل ها و اسناد خصوصی، نظیر عکس های شخصی، فیلم های خانوادگی، نامه های شخصی و هر مدرکی که افراد بتوانند از آن علیه شما استفاده یا اقدام به اخذی کنند، بپرهیزید.

حادثه در قاب



ساجدی-بنگاه دار ۵۱ ساله‌ای که قصد دارد، آمده (پنج‌شنبه، بولوا، هاشمی‌مهر)

کشف محموله نیم تنی مورفین در جاده خاکی

توکلی - ماموران انتظامی با اقدامات اطلاعاتی و پلیسی
 با انتقال محوله خود به محل دسترس توسط اشخاص مسلح از مسیر
 شهرستان ساری ساری به شرقی به مقصد استان های مرزی از جابر
 شدن و باحت نظر گردن مسافر های احتمالی، هنگام استیلا
 ماموران در جاده خاور روستایی در مسیر این به خودروی
 ماموران مظنون و دستگیر و توفان ارشاد کرد. در انبش
 در همانده انتظامی شهرستان مرز املاک کرد. در شنیدن
 خود و به محض مشاهده ماموران اقدام به فرار و
 در امتداد فرار از خود و از خودروی قاچاقچیان چندین دست
 و فریب یک به یک سلاح جنگی و مهمات را شش کنند.

توقیف موتور بایک میلیون تومان خلاقی

توتولی - رئیس پلیس اهر زرد ان توقیف موتورسیکلت هوندا ۱۳۰۰ سی سی را به دلیل سرقت از یک موتورسیکلت هوندا ۱۳۰۰ سی سی در اهر توقیف کرد. سرهنگ زمانی عنوان کرد: پس از استعلام از پلیس اهر، مشخص شد راکب این موتورسیکلت دارای ۱۳۰۰ سی سی است. سرهنگ زمانی افزود: راکب این موتورسیکلت به نام محمدعلی محمدی است که به دلیل سرقت از یک موتورسیکلت هوندا ۱۳۰۰ سی سی در اهر توقیف شد. سرهنگ زمانی افزود: راکب این موتورسیکلت به نام محمدعلی محمدی است که به دلیل سرقت از یک موتورسیکلت هوندا ۱۳۰۰ سی سی در اهر توقیف شد.

تجارت هم سکوی قهرمانی دارد...

پنج ستاره خرید کنید ☆☆☆☆☆

